

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

نظارت بر افغانستان با روش‌های کمپنی شرق ال‌هند

آیا نظامیان امریکایی در دستیابی به اهداف موردنظر موفق گردیدند؟
سیاست افغانی ترامپ در چنبره میان روسیه و هند

اشتباهات ایالات متحده در کارزار افغانی
عدم بررسی وضع عینی و ذهنی کشور
تقویت بخش‌هایی از واحدهای داعش
نادیده گرفتن موقعیت اسلامگراها

در مقدمه و بمثابه سرآغاز سخن، اندکی درباره کمپنی شرق ال‌هند به این شرح می‌پردازیم که: از آن بمثابه شرکت سهامی و دولتی در دولت نام می‌برند که متعاقب و به مجرد برچیده شدن بساط جنگ‌های ناپلیون، بازرگان‌ها از دسترسی به امکانات مساعد تری محروم گردیدند. عده‌ای از تجار پیشه‌های لندن که چنین وضعیتی شامل حال آنها نیز می‌گردید، به فراخوان انحصار، تأکید و اصرار می‌ورزیدند. اعتقاد بر این بود که مجمع متذکره یک شرکت تجاری و بازرگانی، آنهم بمنظور مبارزه علیه گسترش دامنه اقتصادی هالند و فرانسه می‌باشد، کمپنی یا شرکت یادشده پس از مدت زمان صد سال به شکست انجامید.

باطرح کمپنی متذکره طی سال ۱۸۳۳ و از قوه بفعال مبدل گردیدن آن در سال ۱۸۳۴ دولت بریتانیا، تحت فشار فزاینده صاحبان صنایع، حقوق انحصاری تجارت کمپنی متذکره با کشورهای آسیایی به استثنای هند را لغو نمود. هند تحت اداره کمپنی شرق ال‌هند قرار گرفت. علاوه بر آن، کمپنی متذکره نیروی بحری خودش را داشت که در تشکیل آن بتعداد ۳۰۰ هزار نفر موجود بودند، درحالی که تعداد نیروهای رزمی اردوی شاهی بریتانیا به ۱۰۰ هزار نفر بالغ می‌گردید، چنین وضعیتی، بصورت مشخص هم پارلمان و هم سلطنت را مورد تهدید جدی قرار می‌داد. از نظر دید و برداشت بسیاری‌ها، از همان آوان پیدایش و ایجاد، کمپنی یادشده بصورت کامل به اداره دولت از لحاظ شکلی مبادرت ورزیده و اما بصورت واقعی، در محدوده قدرت عملی فرماندار عمومی محدودیت‌هایی نیز وجود داشت.

در مبحث کنونی، مسأله را از مطالعه علمی شرق و بررسی زندگی و حیات مردم و باشنده‌های آن و ویژه‌گی‌های موجود در این عرصه آغاز می‌نماییم. مفکوره موشگافی و ریشه‌یابی علمی و عملی کشورهای مشرق زمین، امر کاملن جدید می‌باشد. در شرایط و وضعیت کنونی که حقوق شهروندی مطرح بحث قرار داده شده و عده بیشماری هم، بسیار مشتاق دستیابی به آن می‌باشند، چنین پنداشته می‌شود که بسی از نسخه‌های موجود دست و پاگیر نباید بیش از این کاربرد چندانی داشته باشند. فراموش خاطر ما نگردد که قبل از سایر موارد، اهمیت آموزش زبان‌هایی که باشنده‌های مشرق زمین به آنها تکلم می‌نمایند، گاهی از مواقع ممکن به گونه‌خشنی اشتباه آمیز تلقی گردد. در این مقطع بمنظور تداوم مسأله متذکره در فوق، موضوع را با طرح این پرسش که چه تفاوت‌ها و تمایزاتی میان بررسی تئوریک (نظری) و مطالعه عملی موجود می‌باشد، همچنان ادامه می‌دهیم. وجوه افتراق میان بررسی‌های

یادشده را باید شناخت که درذیل خواهد آمد. در هر کدام از مطالعات نظری و تئوریک تلاش بعمل می آید تا گذشته کشورها بدست فراموشی سپرده نشود، موضوع متذکره دربرگیرنده بررسی اساس و مبدأ زبان مورد تکلم بمتابیه وسیله افهام و تفهیم اهالی بوده و تفحص و مطالعه در مورد جغرافیای کشورهای و محیط مربوطه به آن که در مقابل چشمان ما گسترش می یابد و همچنان بررسی آن را در عمق زمان های دور تاریخی مورد مطالعه قرار داده و بدنبال بررسی های جامع تر و گسترده تر باید بود تا از تجزیه و تحلیل عمیق قیاس های موجود میان پدیده های حاضر و قبلی نتیجه گیری های لازمی را بدست آورد.

در مطالعه علمی، کشورها همانطوری که موجود می باشند، مورد بررسی و تفحص قرار گرفته و بدنبال موشگافی افراد و در پی مطالعه آداب و رسوم آنها و زبان مورد تکلم آنها بوده و عمدتاً در صدد بررسی زبانی می باشند که نه تنها یک اقلیت ممتاز، بلکه اکثریت باشندگان کشور به آن تکلم می نمایند و همچنان در پی مطالعه و مشاهده کشور و جامعه مربوطه نه به مدد مایکروسکوپ و تیلیسکوپ و نه با دید ناقص، بلکه به کمک و دید عینی و واقعی و نفوذ به عمق مسأله مورد نظر، بخش های ناشناخته آنرا می شناساند.

پس از ذکر کلیاتی که در فوق بعمل آمد، اینک می پردازیم به جزئیات مسأله مورد بحث. در این مورد نخستین پرسشی که مطرح می گردد اینست که آیا طولانی ترین جنگ ایالات متحده که همین اکنون نیز همچنان ادامه داشته و طرفین درگیر را به کشتار گاه می فرستد، به کجا خواهد انجامید؟

باب کروکر رئیس روابط خارجی سنای ایالات متحده با صراحت اظهار داشت که موجودیت و حضور قوت های نظامی آن کشور در افغانستان، حداقل تا ده سال دیگر ضرورت اجتناب ناپذیر محسوب می گردد. نامبرده ادامه داده افزود مسأله ای که مهم بوده و در اولویت های کاری قرار دارد، از جمله یکی هم جستجوی راهایی بمنظور تحکیم قدرت در کابل و واگذاری مسوولیت آینده افغانستان به آن می باشد.

بخاطر باید داشت که دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده، از پنتاگون خواستار توسعه برنامه پاکسازی منطقه از وجود داعش گردید، اما درخواست اینچنینی در مورد افغانستان، تاکنون از نامبرده دریافت نشده است. ولی در شرایط فعلی، وضعیت تغییر نموده است، چنانچه در نشریه پالیسی خارجی ایالات متحده در مورد اظهار گردید که ترامپ در گام نخست خواستار تغییر رویکرد کشورش در مورد موجودیت قوت های نظامی ایالات متحده در افغانستان گردیده و همچنان اظهار داشت تا به ثروت های طبیعی نهفته در اراضی افغانستان باید بیشترین توجه معطوف گردد، در گام بعدی به مسأله تربیه اشخاص و افرادی به تعدادی در حدود شش هزار نفر باید اتکا ورزید تا بصورت غیر مستقیم با نیروهای نظامی کشور ما کار نمایند. چنین پیشنهادی مورد تأیید دونالد ترامپ قرار گرفته که به گفته بسیاری از نزدیکان رئیس جمهوری ایالات متحده "چنین اقدامی کم هزینه بوده و موثریت بیشتری خواهد داشت". در گام های بعدی، همراه با پیمان کاران و فادار خصوصی اقدام به اداره افغانستان به سبک شرق الهند خواهند نمود. بدین ترتیب، از گزینه های سه گانه سیاسی در مورد کشور ما، واشنگتن گزینه دوم را برگزید، یعنی تداوم حضور نظامی در کشور ما بدون اندکترین امکان پیروزی بر مخالفان مسلح. باید یادآور شد که نخستین گزینه منجر به این خواهد گردید تا نیروهای نظامی ایالات متحده بصورت قطع اراضی کشور ما را ترک گویند که بدین ترتیب مطابق اظهارات کارشناسان در چنین وضعیتی، حاکمیت کنونی افغانستان به زودی سقوط نموده و نیروهای مخالف به حاکمیت کشور دست خواهند یافت. ماهیت گزینه سوم مبتنی بر این واقعیت خواهد بود که اداره ترامپ با کشور های همجوار افغانستان نظیر چین، روسیه، هند، پاکستان و ایران که به دلایل مختلفی به افغانستان با ثبات علاقمندند، با برقراری تماس های دیپلماتیک، بیشترین زمینه های سیاسی حل و فصل قضایای کشور ما را فراهم نماید. اما در حال حاضر، سناریوی یادشده در عمل توسط ایالات متحده مورد تردید قرار گرفته و مسیر یادشده توسط آن کشور مسدود گردیده است. این امر سری و پوشیده نمی باشد که مسکو و پکن بمتابیه نیروهای واسطه و میانجی میان رهبران افغان و "طالب" ها در صدد آن می باشند تا از تأثیر گذاری و نقش داعش در آسیای مرکزی و بخش شرقی آسیا جلوگیری بعمل آورند. بدین ترتیب بدون در نظر داشت خصوصیات مذهبی ایدئولوژی "طالب" ها در مقایسه با داعش، آنها نیروهای محلی بوده که بر علیه اشغال خارجی به مقاومت پرداخته و مبارزه می نمایند.

این مسأله در نوع خود نمی تواند امر تصادفی پنداشته شود که بگفته بسیاری ها در افغانستان موجودیت زمینه های

تفاهم و همکاری های تاکتیکی میان کابل و "طالب"ها در زمینه حل و فصل اختلافات، شایع است. مطابق گزارش های سازمان ملل، نفوذ و اثربخشی "طالب"ها بصورت روزافزونی در حال افزایش می باشد. درکل باید افزود جنگی که در کشورما اینک وارد شانزدهمین سال گردیده، درنوع خود طولانی ترین جنگ درتاریخ ایالات متحده محسوب می گردد. چنین به نظر می رسد که ایالات متحده و هم پیمانانش از حل و فصل قطعی مسأله، فاصله زیادی دارند. همچنان در بهار سال روان، جان نیکلسون فرمانده نیروهای ایالات متحده و ناتو در افغانستان اظهار داشت که "جنگ در افغانستان عملن به بن بست مواجه گردیده است." در شرایط و وضعیت کنونی درکشور، نمی توان از گسترش ساحه نفوذ مخالفان مسلح جلوگیری بعمل آورد. مطابق گزارش های سازمان ملل، در این اواخر در افغانستان تعداد کشته شده ها بمقایسه سال های قبل، بیشترین رقم را نشان می دهد. ایالات متحده مقادیر هنگفت مالی و پولی را در افغانستان بمنظور پیشبرد و تداوم جنگ اختصاص داد، مقادیر پولی متذکره بیشتر از مبلغ اختصاص داده شده بمنظور اجرای پلان "مارشال" در امر بازسازی پس از جنگ در اروپا می باشد. مبلغ متذکره تاکنون بیشتر از ۱۱۷ میلیارد دالری یعنی ۱۳ میلیون دالر در روز تخمین می گردد.

درعین زمان، این مسأله نیز واضح و روشن گردیده که حل و فصل مسایل موجود، چه در داخل محدوده افغانستان و چه در سطح منطقه نه تنها و صرف از طرق نظامی و حربی ممکن نیست، بلکه ایجاد میکانیزم حل و فصل سیاسی قضایای داخلی کشورما در دستور روز قرار می گیرد. حاکمیت کنونی در کابل صرف می تواند حدس بزند که بصورت مشخص و اشنگتن درصدد آن می باشد تا پیشنهادهای بمنظور حل و فصل قضایای کنونی کشورما آنهم توسط مردان عاقل(!) در ایالات متحده مطرح بحث قرار گیرد.

قابل یادآوری می باشد که مطابق ستراتیژی کنونی قصر سفید، نیروهای جنگی و نظامی ایالات متحده قادر خواهند بود تا بیشتر از شانزده سال دیگر نیز در سرزمین و اراضی کشورما به تداوم و حضور مستمر شان تداوم بخشند. محافظه کاران امریکایی سوالی را به شکل زیر مطرح می نمایند که آیا ایالات متحده به سرنوشت اتحاد شوروی در افغانستان دچار نمی گردد؟

چنین ارزیابی هایی توسط شخصیت های عمده مطرح و بواسطه کارشناسان امریکایی نیز صورت می گیرد. چنانچه جان آلن، یکی از جنرال های بازنشسته تفنگداران دریایی ایالات متحده اظهار داشت که مطابق منافع و مصالح کشور ایالات متحده، نیروهای نظامی آن کشور باید به مدت زمان ۱۶ سال دیگر نیز به حضور شان در افغانستان تداوم بخشند. بر بنیاد گفته های نامبرده، قوت های نظامی ایالات متحده مانند قبل، بمنظور حفظ امنیت و ثبات در اراضی افغانستان بدون تغییر باقی خواهند ماند که به لطف آن، حاکمیت کابل بصورت موثری به ایجاد و تشکیل اپارات رهبری سیاسی و اقتصادی کشور همت گمارد.

مطابق اظهارات نماینده خاص قبلی ایالات متحده در امور افغانستان و پاکستان، رئیس جمهور ترامپ، تمامی اقدامات دولت قبلی آن کشور در قبال افغانستان را مورد تأیید قرار داد. اما اگر رئیس جمهور قبلی ایالات متحده، اوضاع و شرایط را نا امید کننده پنداشته و درصدد خروج از افغانستان بود، ولی دونالد ترامپ درصدد آن شد تا به موفقیت و پیروزی در افغانستان نایل آید، بناءً، ستراتیژی جدید در مورد کشورما را مطرح بحث قرار داد، اما مهم اینست که نگاهها به شرایط و اوضاع موجود در کشورما و در مجموع منطقه به چه نحوه ای می باشد.

آیا دونالد ترامپ درصدد ایجاد دموکراسی موفق(!) در کشورما، در پی شکست "القاعده" بوده و آیا از فایز آمدن آمدن "طالب"ها در افغانستان نیز جلوگیری بعمل خواهد آورد؟

با در نظر داشت فاکت ها و حقایق موجود می توان اظهار داشت که رئیس جمهوری جدید ایالات متحده در قبال ملت سازی نگرش منفی داشته و سیاست ایجاد موسسات و تحکیم توان اقتصادی کشور و همچنان ریشه کنی فساد گسترده در افغانستان را در اولویت های کاری اش قرار داده است.

علاوه بر آن، اما پروسه مصالحه که ترامپ در مورد آن تردید دارد، بمثابه عنصر اساسی سیاست امریکایی در کشورما محسوب می گردد. بخشی از آن بصورت مستقیم به ضرورت حفظ پیوستن متحدان ایالات متحده از جمع کشورهای اروپایی و همچنان بخشی از دلیل بررسی چگونگی سیر حوادث و نحوه موقف و موضعگیری ایالات متحده در کشورما می باشد. اما بسیاری از دیپلمات ها و مسوولان بخش های مربوطه متیقن می باشند که در چشم انداز

نزدیک، حل و فصل صلح آمیز و تحقق امر مصالحه در افغانستان بعید به نظر می رسد.

در عین زمان، کشورهای روسیه و ایران با علاقمندی ذایدالوصفی، با دنبال نمودن جریان حوادث در کشور و بنا بر ادعای مطرح شده، در صدد ایفای نقش و سهم شان در امر مصالحه و حل و فصل آبرومندانه و عادلانه قضایای مربوط به کشور عزیز ما افغانستان می باشند. باین وجود، بعقیده بسیاری ها، مسکو بصورت مشخص موجودیت و حضور ایالات متحده را در منطقه دوست ندارد. اما نباید فراموش نمود که در اوایل امر، کرملین از نحوه مبارزه با عناصر افراط گرا در کشور ما و در آسیای مرکزی راضی بنظر می رسید اما در حال حاضر، روسیه چنین می پندارد که حضور نظامیان امریکایی در اراضی افغانستان، جز جاه طلبی و تحکیم مواضع غرب نمی باشد. از جمله موجودیت دلایل مختلف، یکی هم بصورت مشخص به این دلیل و برهان که آنها اقدامات لازم و ضروری را در جهت مبارزه علیه کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر انجام ندادند که در نوع خود، چنین حالتی به مشکل بزرگی برای تهران و مسکو مبدل گردیده است.

در مورد شرکت های امنیتی خصوصی باید یادآور شد که آنها در امور و مسایل مربوطه کشور ما و بخصوص در موارد امنیتی دست بازی دارند. در این مقطع سوالی مطرح می گردد که آیا موسس و بنیادگذار "بلاک واتر" در صدد ایجاد کمپنی شرق الهند در افغانستان می باشد؟

یادآور باید گردید که در حدود یک ماه قبل دونالد ترامپ به جلو رفته و دستور داد تا نیروهای بیشتر نظامی ایالات متحده به افغانستان گسیل گردند. عده ای از اعضای هیأت رهبری ایالات متحده، از جمله مشاور ارشد ریاست جمهوری ایالات متحده به اقدام متذکره روی خوشی نشان نداده و با چنین تصمیمگیری از جانب ترامپ عدم موافقت شان را ابراز نمودند.

در مورد کشور عزیز ما افغانستان باید یادآور شد که اگر ایالات متحده و هم پیمانانش در نظر دارند تا تعداد نیروهای رزمی شان را حتا به ۲۰ - ۲۵ هزار نظامی ارتقا دهند، هیچ بنیاد و اساسی در این مورد وجود ندارد که تعداد یادشده بمقایسه با موجودیت ۱۴۰ هزار از نظامی های آن کشور که قبلن در افغانستان موجود بودند، مثر ثمری واقع گردند. بنیاء، رهبری و اشنگتن در صدد آن شد تا زمینه ملاقات و گفتگو با مسوولان پنتاگون و رهبری یکی از بزرگترین شرکت های امنیتی خصوصی دون کورپ انترنشنل را فراهم نمایند تا با دونالد ترامپ در مورد چگونگی سیاست کشورشان در افغانستان و تقویت فعالیت های استخباراتی و مسایل امنیت ملی آن کشور به بحث و گفتگو بپردازند. موسس کمپنی بلاک واتر با مشخصه های معین بمنظور ایجاد و برپایی نمونه مشابه کمپنی شرق الهند در افغانستان وارد میدان بازی گردید تا موفق به ایجاد وکالت و موجودیت یک "شاه" و یک "شهباده" گردد که در نوع خود، جوابگوی کلیه جریانات و حوادث در کشور بوده و با اقدام اینچینی، با تلاش هایی که توسط بریتانیا در هند صورت گرفت، شباهت کامل خواهد داشت.

علاوه بر آن، مقام متذکره بصورت کل، اختیارات تمام و کمال تصمیمگیری در مورد قانون، تعیین بودجه، طرح های زیربنایی، قراردادهای سیاسی و نظامی و غیره خواهد داشت و مانند فعالیت ها و عملکردهای جنرال مک آرتور در جاپان پس از جنگ، به انجام امور خواهد پرداخت.

مسأله دیگر قابل بحث در مورد، از جمله یکی هم این می باشد تا مزدوران جنگی، نباید به صورت موقتی و برای مدت زمان از قبل تعیین شده و محدود، بلکه بمنظور اجرای بموقع وظایف و انجام رسالت های جنگی برای مدت زمان طولانی به محل (افغانستان) گسیل گردیده، در محلات کشور بود و باش نموده و بصورت یک کل شانه به شانه با ساکنان محل، تمامی مشکلات را بر طرف نمایند.

چنین وضعیتی برای مزدوران جنگی ایالات متحده این امکان را میسر می نماید تا بصورت کامل، بخشی از افغانستان گردیده، زبان منطقه ای را که در آن ساکن می گردند فرا گرفته و با خصوصیات فرهنگی آن آشنایی حاصل نمایند. مطابق نظر و مفکوره کارشناسان امریکایی، چنین رویکردی، اعتماد افغان ها را در مورد "کمک و معاونت واقعی غرب جلب خواهد نمود." در اینصورت، نیروهای خاص کشورهای غربی در افغانستان ماندگار شده و به اجرای وظایف منحصر بفرد شان مبادرت خواهند ورزید. بصورت مجموعی و در کل، موجودیت نیروهای متذکره در اراضی افغانستان، بصورت حداقل، سالانه به مبلغ ۱۰ میلیارد دالر هزینه ضرورت دارد.

در اینمورد، بخش اعظم سرمایه‌گذاری برعهده آن شرکت‌های بزرگ غربی خواهد بود که علاقمند بهره‌برداری از منابع طبیعی و ذخایر سرشار موجود درکشورما و استفاده از تجارت غیر قانونی مواد مخدرمی باشند. شرکت دون تروپ انترنشنل که مسولیت تأمین و ارائه خدمات لوژستیک، ترجمانی و امور ساختمانی را عهده‌دار گردیده، قرار دادی به مبلغ ۲,۵ میلیون دالر با دولت ایالات متحده عقد نموده است. بدینترتیب باید بصورت‌گُل، رویکرد در مورد کمپنی افغانی در اینباره متغیرگردد. ایالات متحده در نظر دارد تا نه تنها بر کنترول و نظارت بر باشندها و مراکز عمده شهرها، بلکه نظارت بر مراکز عمده عایداتی از جمله بر منابع معدنی و مخازن طبیعی در کشورما انحصارش را تأمین نماید.

واضحست که همه در ایالات متحده، چنین طرح‌هایی را مورد تأیید و پشتیبانی قرار نمی‌دهند. مطبوعات کشور های غربی، پیشنهاد متذکره را بمثابه طرحی بمنظور ایجاد کمپنی شرق‌الهند و احیای استعمار محسوب نمودند. ژورنالیست‌ها و بصورت عمده کارشناسان چنین پنداشتند که با چنین رویکردی، بخش‌های بزرگ و عمده قدرت در اختیار موسسات خصوصی متشکل از مزدوران جنگی که اکنون در افغانستان مصروف فعالیت می‌باشند بدون توجه به چشم انداز درازمدت درکشور، قرار خواهد گرفت.

نباید فراموش خاطرما گردد که مبتکرین طرح یادشده در صورت عکس مسأله نیز به نحوه سیرپروسه مورد نظر خوشبین می‌باشند. با توجه به این امر که درجایی که مسایل و موضوعات پولی و مادی مطرح بحث باشد، رهبری سکوت اختیار نموده و چنین پنداشته می‌شود که امرتجارت نسبت به جنگیدن سودآورتری باشد. به دلایل گفته‌آمده در فوق، میتوان اظهارداشت که میان چین و ایالات متحده، تصادم و برخورد نظامی و جنگی اصلن مطرح نمی‌باشد. قابل تذکارمی باشد که وزیردفاع ایالات متحده به طرح یادشده واکنش سردی نشان داد. نظامی‌ها باین امر واقف می‌باشند که پس از عقد قرار دادها، در افغانستان چه اتفاق می‌افتد. پیشینی آن در حال حاضر بیش از حد تصور می‌گردد، اما واقعیت‌های موجود حاکی از انجام ملاقات و گفتگوهای با بخش‌های خصوصی براین اصل استوار می‌باشد که رهبری ایالات متحده در کنار انجام اقدامات و عملکردهای نظامی و جنگی، در صدد دستیابی به مسیرهای خروج از بن بست کنونی درکشورما می‌باشد.

اما راه دیگری نیز موجود می‌باشد و آن اینکه وزیردفاع ایالات متحده با ارائه توصیه‌هایی درمورد کشورما به دونالد ترامپ مبادرت ورزد. فرستاده قبلی ایالات متحده برای افغانستان و پاکستان که طی ماه جون سال روان از سمتش کناررفت، متیقن است که وضعیت کنونی در افغانستان را هیچکسی دوست ندارد و به امریکایی‌ها گوشزد می‌نماید تا با استفاده از تمامی گزینه‌های ممکن جهت اثربخشی و تأثیرگذاری بروضعیت کنونی تلاش ورزند. وسخن‌آخرا اینکه مطابق برداشت مبصرین، مسکودر بیشترین سطح اصولی، "طالب"‌ها را بمثابه شرارت پیشگانی می‌شناسد که در پس زمینه تهدیدات و خطرهای ناشی از فعالیت‌های داعش چهره‌نمایی خواهند نمود. در داخل افغانستان، جاه‌طلبی‌های کاخ سفید که بر شکست "طالب"‌ها تأکید می‌ورزد، با وجود هرواقعیت دیگری، سبب ساز ایجاد معضله و مشکل برای منطقه خواهد گردید که درگام نخست و قبل از همه، بخصوص تهدیدات داعش افزایش حاصل خواهد نمود. علاوه بر آن، دست اندرکاران امور مربوطه به این امر متقاعد گردیده‌اند و درمورد تأکید می‌ورزند که ایالات متحده در طول مدت زمان طولانی قادر به مهار خشونت و تخفیف شدت درگیری نخواهد بود. این درنوع خود اساسی‌ترین پرسش در قبال ایالات متحده مطرح می‌گردد که اگر کشور اخیرالذکر کمافی‌السابق بر طبل جنگ کوبیده و نبردهای مسلحانه را همچنان ادامه دهد، بگمان اغلب که جنگ، ویرانی و انسان‌کشی درکشور ما چندین نسل بدرازا کشد.